

رابطه‌ی باورهای اساسی و ادراک از روابط والدینی با بهزیستی ذهنی دانش‌آموزان

الهه حجازی^۱، ناهید صادقی^۲ و میثم شیرزادی فرد^۳

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه‌ی باورهای اساسی و ادراک از روابط والدینی با بهزیستی ذهنی بود. به همین منظور، ۶۵۵ دانش‌آموز دختر و پسر رشته‌های نظری از دبیرستان‌های شهر تهران به روش خوشه‌ای انتخاب شدند و به سیاهه‌ی باورهای اساسی (BBI)، مقیاس ادراک والدین (POPS)، مقیاس رضایت از زندگی و مقیاس‌های عاطفه مثبت و عاطفه منفی پاسخ دادند. یافته‌های حاصل از تحلیل‌های همبستگی و رگرسیون چندمتغیری گام به گام نشان داد که باور به دنیای معنادار، باور به خود مطلوب، ادراک گرمی والدین و ادراک از حمایت والدین از خود مختاری با بهزیستی ذهنی رابطه‌ی مثبت دارد. باور به دنیای معنادار به همراه ادراک گرمی والدین، باور به خود مطلوب و ادراک حمایت والدین از خود مختاری ۵۱ درصد از تغییرات بهزیستی ذهنی را تبیین می‌کند. بر اساس این یافته‌ها تلاش برای ایجاد باورهای مثبت و بهینه‌سازی روابط والدینی با ارتقاء سطح بهزیستی ذهنی دانش‌آموزان همراه است.

واژه‌های کلیدی: باورهای اساسی، ادراک از روابط والدینی، بهزیستی ذهنی

۱. نویسنده‌ی رابط: دانشیار روان‌شناسی، دانشگاه تهران ehejazi@ut.ac.ir

۲. استادیار روان‌شناسی، دانشگاه تهران

۳. دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه تهران

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۱/۲۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۲/۷/۱۶

مقدمه

از اواخر قرن بیستم و با پیدایش رویکرد روان‌شناسی مثبت، گرایش پژوهش‌ها برای تبیین پدیده‌های روان‌شناختی به سمت توانایی‌ها و ویژگی‌های مثبت انسان بوده است. سازه بهزیستی^۱ یکی از سازه‌های مطرح شده در حوزه روان‌شناسی مثبت است که به لحاظ رابطه با دیگر سازه‌ها و همچنین به لحاظ نقشی که در تبیین بسیاری از پیامدهای رفتاری-هیجانی دارد از اهمیت زیادی برخوردار است. سازه بهزیستی معمولاً تحت عنوان بهزیستی روان‌شناختی، بهزیستی اجتماعی و بهزیستی ذهنی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

دینر، لوکاس و اویشی^۲ (۲۰۰۲) بهزیستی ذهنی^۳ را به‌عنوان ارزیابی افراد از زندگی خود تعریف می‌کنند. این ارزیابی‌ها شامل واکنش‌های هیجانی افراد به رخدادها، خلق آنها و قضاوت‌های آنها درباره میزان رضایتشان از زندگی است (دینر، ۱۹۸۴؛ دینر و لوکاس^۴، ۱۹۹۹). بهزیستی ذهنی مفهومی شخصی و فردی است که برای آن دو مؤلفه معرفی می‌شود: رضایت از زندگی^۵ (ارزیابی شناختی از زندگی شخصی) و هیجان، که به معنی وجود هیجان‌های مثبت و نبود هیجان‌های منفی است. بسیاری از محققان سعی در تبیین سازوکارهای زیر بنایی بهزیستی ذهنی دارند و متغیرهای متعددی را به‌عنوان عوامل مؤثر بر آن در نظر می‌گیرند. از بعد نظری، بهزیستی به‌عنوان یک پیامد، حاصل ویژگی‌های فردی و محیطی است (دینر، ۱۹۸۴).

نظریه‌های روان‌شناختی در حوزه‌ی بهزیستی ذهنی را می‌توان بر اساس تاکید بر اثرات پایین-به بالا^۶ (بیرونی یا موقعیتی) یا اثرات بالا-به پایین^۷ (ویژگی‌ها و فرایندهای درونی) از یکدیگر

1. well-being
2. Diener, Lucas, & Oishi
3. subjective well-being
4. Diener & Lucas
4. satisfaction with life
5. bottom-up
6. top-down

تمایز نمود (دینر، سو، لوکاس و اسمیث، ۱۹۹۹). بهزیستی ذهنی در نظریه‌های پایین- به بالا، تعادل بین لحظات خوشایند و ناخوشایند است و به موقعیت‌های بیرونی مثل موفقیت شغلی و یا پیوندهای اجتماعی همبسته است. این همبسته‌ها بخش کوچکی از واریانس بهزیستی ذهنی را تبیین می‌کند. در رویکردهای بالا- به پایین، بهزیستی ذهنی محصول صفات درونی و فرایندهای روان شناختی، از قبیل حالات خلقی، اهداف، سبک‌های مقابله‌ای و فرایندهای انطباقی است (دینر، سو، لوکاس و اسمیث، ۱۹۹۹). نظریه‌های شناختی-اجتماعی با در نظر گرفتن عوامل شناختی به‌عنوان متغیرهای مؤثر بر رفتار و هیجان، در دسته نظریه‌های بالا-به پایین قرار می‌گیرند.

نظریه‌پردازان رویکرد شناختی-اجتماعی عوامل مربوط به فرد (باورها، انگیزش و شخصیت) را به‌عنوان میانجی بین محرک‌های بیرونی و رفتار در نظر می‌گیرند. باورها به‌عنوان ساختارهایی نسبتاً پایدار، از مهمترین ویژگی‌های فردی هستند که می‌توانند بخش زیادی از احساس و اندیشه فرد را تبیین کنند (کاندا^۱، ۱۹۹۹؛ ترجمه‌ی کاویانی، ۱۳۸۴). اهمیت فرض‌ها یا باورهای اساسی^۲ به این دلیل است که، به‌عنوان طرحواره‌هایی کلی و جامع، دیدگاه، نگرش، تفسیر و ارزیابی فرد از موقعیت را شکل می‌دهند (اپستاین^۳، ۲۰۰۳).

سامانه‌ی باورها را روان‌شناسان متعددی مورد تأکید قرار داده‌اند. بالبی (۱۹۶۹) باورهای انسان را «الگوهای دنیا^۴» نام‌گذاری می‌کند. از نظر او الگوهایی که افراد از خود و دنیا می‌سازند به آنها این امکان را می‌دهد که رخدادها را درک کنند، آینده را پیش‌بینی نمایند و برای آن برنامه‌ریزی کنند. جنف-بالمن^۵ (۱۹۹۰؛ ۱۹۸۵) سازه «دنیاهای فرضی^۶» را مطرح می‌کند و باورهای فرد درباره‌ی خود و دنیا را به‌عنوان کلی‌ترین ساختارها در هسته‌ی دنیای فرضی قرار می‌دهد. سندلر و

1. Kunda
2. basic beliefs
3. Epstein
4. world models
5. Janoff-Bulman
6. assumptive worlds

روزن بلت^۱ (۱۹۶۲) مفهوم «دنیای بازنمودی»^۲ را برای اشاره به سامانه باورها به کار می‌برد؛ مجموعه‌ای از برداشت‌های سازمان یافته و با دوام که از تجارب ناشی شده‌اند و به شکل یک نقشه شناختی عمل می‌کند.

اپستاین (۱۹۷۳-۲۰۰۳) در نظریه-خودشناختی تجربه‌ای^۳ سامانه باورها را «نظریه‌ی شخصی درباره‌ی واقعیت»^۴ می‌داند. براساس این دیدگاه افراد در جریان تجارب دنیای واقعی به‌طور خودکار یک نظریه‌ی ضمنی شکل می‌دهند که شامل یک نظریه‌ی خود، یک نظریه‌ی دنیا و گزاره‌هایی است که این دو نظریه را به هم مرتبط می‌سازد. نظریه‌ی ضمنی درباره‌ی واقعیت به شکل ساختار سلسله‌مراتبی از طرحواره است. به این معنا که طرحواره‌ها از جزئی به کلی به شکل هرم شناختی شکل می‌گیرند. بالاترین سطح ساختار مفهومی که تاحد زیادی کلی است، طرحواره‌های انتزاعی را شامل می‌شود که باورهای اساسی نامیده می‌شود. طرحواره‌هایی از قبیل اینکه خود ارزشمند است، دنیا نیک نهاد^۵ و دارای معناست و دیگر افراد قابل اعتماد و حمایت‌گرند (اپستاین، ۲۰۰۳). این طرحواره‌ها، به دلیل ماهیت انتزاعی و تأثیر گسترده‌ای که بر کل شناخت دارند، نسبتاً پایدار بوده و به‌سختی دستخوش تغییر می‌شوند (اپستاین، ۱۹۷۳، ۲۰۰۳). سامانه باورها در نظریه-خودشناختی-تجربه‌ای شامل باور به نیک نهادی دنیا، باور به معناداری دنیا، باور به ارزش‌مندی خود (خود مطلوب) و باور مطلوب درباره‌ی روابط با دیگران به‌عنوان افرادی حمایت‌گر و صمیمی است (اپستاین، ۲۰۰۳). باور به معناداری دنیا بازنمایی حالتی است که فرد رخدادهای دنیا را قابل کنترل و قابل پیش‌بینی می‌داند. چنین فردی برای زندگی هدف‌هایی دارد و می‌تواند به زندگی خود معنا بدهد. باور به خود مطلوب نیز شامل برداشت‌هایی از خود

- 1 . Sandler & Rosenblatt
- 2 . representational world
- 3 . Rational-Experiential Self-Theory
- 4 . personal theories of reality
- 5 . benign

به‌عنوان فردی توانمند، با ارزش و محبوب است.

در رویکرد شناختی-اجتماعی برونداد رفتاری یا شناختی-هیجانی پیامد تعامل متغیرهای محیطی، فردی و رفتاری است. بنابر این پیش‌بینی یک پیامد، بدون در نظر گرفتن بافت آن، نمی‌تواند کامل و مفید باشد. دسی و ریان (۱۹۸۵) در نظریه خود تعیین‌گری^۱ چنین فرض می‌کنند که درونی‌سازی منسجم، تنظیمات رفتاری و پذیرش درونی ارزش‌های اجتماعی، که لازمه حفظ سلامت روانی است، وابسته به شرایط محیطی است. در این میان روابط با والدین به‌عنوان منبعی مهم برای تجارب روزمره به‌شمار می‌آید (اپستاین، ۱۹۸۳؛ نقل از کاتلین^۲ و اپستاین، ۱۹۹۲). روابط مطلوب با والدین لازمه‌ی بهزیستی روانی و جامعه‌پذیری است (واندلر، پرز و شویی^۳، ۲۰۰۷، نقل از اصغری، ۱۳۸۸).

بسیاری از پژوهش‌ها نشان داده است که نگرش والدین درباره‌ی سبک فرزندپروری شان با دیدگاه کودک درباره روابطش با والدین متفاوت است (گروولنیک، دسی و ریان، ۱۹۹۷). همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد که ادراک کودکان از روابط با والدین اهمیت فراوانی دارد (دارلینگ و استینبرگ، ۱۹۹۳؛ نقل از اصغری، ۱۳۸۸). گروولنیک، دسی و رایان^۴ (۱۹۹۷) با تأکید بر اهمیت ادراک کودک از روابط با والدین، فرزند پروری ادراک شده را به‌صورت ادراک کودک از روابط با والدین از جنبه‌های مشارکت، حمایت از خود مختاری^۵ و گرمی^۶ تعریف می‌کنند. اپستاین (۱۹۸۳) به نقل از ربانی‌زاده، (۱۹۸۹) در تعریف خود از روابط والد-کودک، به تشریح دو بعد از این روابط می‌پردازد. او رابطه با والدین را شامل تشویق استقلال در برابر حمایت مفرط و پذیرش در مقابل طرد می‌داند. در تعریف او حمایت از خودمختاری بیانگر درجه‌ای است

1 . self-determination theory

2 . Catlin

3 . Vandeleur, Perrez, & Schoebi

4 . Crolnick, Deci & Ryan

4. autonomy support

5. warmth

که والدین استقلال، اتکا به خود و رشد مهارت‌های اجتماعی را تقویت می‌کنند. پذیرش در برابر طرد نیز بیانگر درجه‌ای است که والدین عشق و پذیرش را به کودک منتقل می‌کنند.

با توجه به آنچه ذکر شد، بهزیستی ذهنی به‌عنوان ارزیابی شناختی از زندگی و تعادل بین عواطف مثبت و منفی، نمی‌تواند مستقل از سامانه باورهای فرد (به‌عنوان عامل فردی) و ادراک او از روابط والد-کودک (به‌عنوان عامل محیطی) باشد. شواهد موجود نشان می‌دهد که عوامل فردی مانند عزت نفس، خوشبینی (شیماک^۱ و دینر، ۲۰۰۳)، ازدواج، مذهبی بودن (دولان و وایت^۲، ۲۰۰۷)، هدف‌مندی و معنا در زندگی (رکر، پیکاک و ونگ^۳، ۱۹۸۶) و عوامل محیطی مانند عوامل والدینی (بن زور^۴، ۲۰۰۳، برادشاو، کانگ، ریز، گاسوامی^۵، ۲۰۱۱)، میزان مذهبی بودن خانواده، کنترل والدین و تعارضات خانوادگی (رابرتسون و سایمونز^۶، ۱۹۸۹) و ثبات خانوادگی (دینسمن، بمونتسرات، کاساس^۷، ۲۰۱۲) و بسیاری عوامل دیگر از این دست با بهزیستی ذهنی رابطه دارند.

با وجود تأکید نظری بر باورهای اساسی به‌عنوان سازه شناختی بنیادی و تأثیرگذار، پژوهشگران اغلب نقش مهم آن را در پیامدهای مختلف روان‌شناختی نادیده گرفته‌اند. در مرور پژوهش‌های پیشین نمی‌توان مطالعه‌ای را یافت که رابطه‌ی باورهای اساسی با بهزیستی ذهنی را مورد پژوهش قرار داده باشد. اگر بهزیستی ذهنی سازه‌ای باشد که مؤلفه شناختی (رضایت از زندگی) آن تحت تأثیر قضاوت‌هایی است که تا حد زیادی از طریق سامانه باورها تعیین می‌شود. بخش عاطفی آن نیز نمی‌تواند مستقل از ارزیابی‌های شناختی باشد؛ بنابراین منطقی به نظر می‌رسد که بهزیستی ذهنی با باورهای اساسی رابطه داشته باشد. رابطه‌ی مؤلفه‌های ادراک والدین با بهزیستی ذهنی نیز می‌تواند

-
1. Schimmak
 2. Dolan & White
 3. Reker, Peacock & Wong
 4. Ben-Zur
 5. Bradshaw, Keung, Rees & Goswami
 6. Robertson & Simons
 7. Dinisman, Montserrat & Casas

تلویحاتی برای نظریه و عمل داشته باشد. اگر چه چندین پژوهش سعی در بررسی رابطه متغیرهای مربوط به والدین و متغیرهایی از قبیل عزت نفس، هدف‌مندی، بهزیستی روان‌شناختی و دیگر پیامدهای مثبت داشته‌اند، بهزیستی ذهنی کمتر مورد توجه بوده است.

در پژوهش حاضر با تأکید بر رویکرد شناختی-اجتماعی فرض می‌شود که باور به دنیای معنادار و باور به خود مطلوب (دو باور از چهار باور مفروض در نظریه خود شناختی-تجربه ای) به دلیل اهمیتی که در ارزیابی‌های شناختی (و به تبع آن، تجارب عاطفی) دارند، می‌توانند با بهزیستی ذهنی رابطه داشته باشند. از سوی دیگر فرض می‌شود که متغیرهای بافتی در کنار باورهای اساسی می‌تواند با بهزیستی ذهنی رابطه داشته باشد. از بین متغیرهای محیطی، متغیرهای مربوط به والدین همواره از مهمترین عوامل تأثیر گذار بر رشد همه جانبه فرد محسوب می‌شود. حمایت از خود مختاری و گرمی والدین به‌عنوان دو عامل مهم، چه در نظریه و چه در پژوهش، در شکل‌گیری پیامدهای شناختی-هیجانی مطرح بوده‌اند (گرولنیک و همکاران، ۱۹۹۷؛ ریان و دسی، ۲۰۰۰، تنهای رشوانلو، حجازی، ۱۳۹۱، باباخانی، ۱۳۹۰). در کنار فرضیه‌های مذکور این سؤال مطرح است که آیا هر یک از عوامل مربوط به والدین و باورهای اساسی می‌تواند در پیش‌بینی بهزیستی نقش مستقلی داشته باشد؟

روش

این پژوهش از نوع غیر آزمایشی (توصیفی) و طرح آن همبستگی است.

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری: جامعه‌ی آماری پژوهش شامل تمامی دانش‌آموزان پایه دوم متوسطه‌ی شاخه‌ی نظری شاغل به تحصیل در مدارس دولتی شهر تهران در سال تحصیلی ۹۰-۹۱ است. با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه ۶۵۵ دانش‌آموز برآورد شد که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای افراد نمونه انتخاب شدند. به این صورت که ابتدا از بین مناطق نوردیده گانه شهر تهران به‌طور تصادفی چهار منطقه، از هر منطقه چهار مدرسه دخترانه و پسرانه و از هر مدرسه

دو کلاس پایه دوم انتخاب شدند. میانگین سنی گروه نمونه ۱۵/۶ و انحراف استاندارد سن آنها ۰/۸۳ بود. برای جمع‌آوری اطلاعات از ابزارهای زیر استفاده شده است:

سیاهه‌ی باورهای اساسی^۱: ابزار مورد استفاده برای سنجش باورهای اساسی در این پژوهش شامل دو زیر مقیاس باور به دنیای معنادار (۱۵ گویه) و باور به خود مطلوب (۹ گویه) از سیاهه‌ی باورهای اساسی (BBI؛ کاتلین و اپستاین، ۱۹۹۲) است. این سیاهه ۱۰۲ گویه‌ای به منظور اندازه‌گیری چهار باور اساسی که مورد تأکید نظریه-خود شناختی-تجربه‌ای قرار گرفته‌اند، طراحی شده است. یک مقیاس کلی مطلوبیت باورها و چهار مقیاس متناظر با چهار باور اساسی زیر مقیاس‌های آن هستند. شرکت‌کنندگان به گویه‌ها بر روی مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت، شامل پیوستاری از گزینه‌های کاملاً موافق (۵) تا کاملاً مخالف (۱) پاسخ می‌دهند. شواهد به‌دست آمده از پژوهش‌های پیشین حاکی از روایی^۲ و اعتبار^۳ مناسب این ابزار است (کاتلین و اپستاین، ۱۹۹۲؛ پسینی و اپستاین، ۱۹۹۹). با توجه به اینکه این ابزار برای اولین بار در پژوهش حاضر مورد استفاده قرار گرفته است بنابراین با روش تحلیل عامل تأییدی روایی آن مورد بررسی قرار گرفت. جدول شماره یک شاخص‌های برازش مدل تأییدی سیاهه باورهای اساسی را نشان می‌دهد.

جدول ۱. شاخص‌های برازش مدل تأییدی سیاهه باورهای اساسی

AGFI	GFI	RMSEA	χ^2 / df	Df	χ^2
۰/۹۳	۰/۹۳	۰/۰۵	۱/۸۳	۱۲۶۴	۲۳۱۲/۹۵

اعتبار این ابزار در پژوهش حاضر با استفاده از روش بازآزمایی ۰/۸۳ و با استفاده از ضرایب آلفای کرونباخ برای زیر مقیاس‌های دنیای معنادار ($\alpha=0/84$) و باور به خود مطلوب ($\alpha=0/72$) به‌دست آمده است. ضرایب فوق معرف اعتبار بالایی ابزار است.

1. Basic Beliefs Inventory (BBI)
2. validity
3. reliability

مقیاس ادراک والدین^۱: در این پژوهش ادراک روابط والدینی از طریق مقیاس ادراک والدین (POPS؛ گروولیک و همکاران، ۱۹۹۷) سنجیده شد. این مقیاس ۴۲ گویه‌ای دارای دو بخش پدر و مادر است (۲۱ گویه برای هر کدام) که کاملاً مشابه هستند. شرکت‌کنندگان به گویه‌ها بر روی مقیاس ۷ درجه‌ای لیکرت پاسخ می‌دهند. پاسخ‌ها شامل گزینه‌های کاملاً موافق (۷) تا کاملاً مخالف (۱) می‌شود. ساختار عاملی این مقیاس بر اساس نظر سازندگان، مؤلفه‌های مشارکت، حمایت از خود مختاری و گرمی را برای هر یک از والدین در بر دارد که در مجموع شش عامل را تشکیل می‌دهد. باباخانی (۱۳۹۰) در پژوهش خود از طریق تحلیل عاملی اکتشافی و سپس تأییدی روایی این ابزار را مورد بررسی و تأیید قرار داده است. باباخانی اعتبار کلی ابزار را ۰/۹۴ گزارش کرده است. خرازی و کارشکی (۱۳۸۸) نیز اعتبار کلی ابزار و اعتبار خرده مقیاس‌های آن را بین ۰/۶۴ تا ۰/۹۳ گزارش کرده‌اند. در پژوهش حاضر از دو خرده مقیاس گرمی و حمایت از خود مختاری به‌عنوان مقیاس‌های کلی ادراک روابط والد-کودک استفاده شده است. ضرایب آلفای به‌دست آمده برای دو خرده مقیاس فوق به ترتیب $\alpha=0/84$ و $\alpha=0/87$ است که نشان دهنده اعتبار بالای آنهاست.

مقیاس بهزیستی ذهنی^۲: بهزیستی ذهنی با استفاده از دو مقیاس رضایت از زندگی^۳ (کانتریل^۲، ۱۹۶۵)، و مقیاس‌های عاطفه مثبت و عاطفه منفی^۴ (مرازک و کولارز^۵، ۱۹۹۸) سنجیده شده است. مقیاس رضایت از زندگی بر گرفته از مقیاس مرجع خود کانتریل (۱۹۶۵) است که از پاسخ دهندگان می‌خواهد «به‌طور کلی زندگی خود را در این روزها رتبه بندی کنند». این مقیاس به‌صورت پیوستاری از بدترین شرایط ممکن (۰) تا بهترین شرایط ممکن (۱۰) نمره گذاری

1. Perception of Parents Scale (POPS)
2. Satisfaction with Life
3. Cantril
4. Positive and Negative Affects Scale
5. Mroczek & Kolarz

می‌شود. این مقیاس تک-گویه ای در سراسر دنیا بارها مورد استفاده قرار گرفته است و شواهد به‌دست آمده نشان دهنده ویژگی‌های روان‌سنجی رضایت بخش برای آن است (اندروز و راینسون، ۱۹۹۱). مقیاس‌های عواطف مثبت و عواطف منفی (مرازک و کولارز، ۱۹۹۸) از شرکت‌کنندگان می‌خواهد میزان تجربه هیجان‌های مثبت و منفی را در طول ۳۰ روز گذشته گزارش کنند. عواطف مثبت و منفی هر کدام شامل ۶ مورد می‌شود. اندروز و راینسون^۱ (۱۹۹۱) طی مرور مقیاس‌های مورد استفاده برای سنجش بهزیستی ذهنی در دنیا، این ابزارها را به‌عنوان مقیاس‌های روا و معتبر معرفی کرده‌اند. در ایران شکری، کدیور و دانش‌پور (۱۳۸۶) برای سنجش بهزیستی ذهنی از این مقیاس‌ها استفاده کرده و اعتبار مقیاس‌ها را بین ۰/۸۵ و ۰/۸۹ گزارش کرده‌اند. مقیاس مورد استفاده در پژوهش حاضر شامل مقیاس تک-گویه‌ای رضایت کلی از زندگی و مقیاس‌های عواطف مثبت ($\alpha=0/84$) و منفی ($\alpha=0/80$) بود. روایی مقیاس‌های عواطف مثبت و منفی در پژوهش حاضر از طریق تحلیل عامل اکتشافی مورد بررسی قرار گرفت. ساختار مقیاس پس از چرخش واریماکس دو عامل مستقل را نشان داد. با توجه به شاخص کفایت نمونه‌گیری^۲ ($KMO=0/91$) و ضریب کرویت بارتلت (۳۱۴۵/۶۹) که در سطح $P<0/01$ معنادار است، انجام تحلیل عاملی توجیه پذیر بود. عامل اول ۲۸٪ و عامل دوم ۲۷٪ از تعییرات کل مقیاس را تبیین می‌کند. حداقل بار عاملی برای این مقیاس ۰/۳۵ در نظر گرفته شده است. در این پژوهش بهزیستی ذهنی کلی براساس نمره رضایت از زندگی و مجموع عواطف مثبت و منفی محاسبه شده است.

روش اجرا: پس از انتخاب کلاس‌ها به‌صورت تصادفی، پرسش‌نامه‌ای متشکل از سیاهه باورهای اساسی، مقیاس رضایت از زندگی، مقیاس عاطفه مثبت و منفی و مقاس ادراک والدین به‌صورت گروهی در اختیار شرکت‌کنندگان قرار گرفت. مدت اجرای گروهی حدود ۳۰ دقیقه

1 . Andrews & Robinson
2 . Kaiser-Meyer-Olkin

بود. تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون گام به گام انجام شد.

نتایج

در جدول ۲ شاخص‌های توصیفی و ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش ارائه شده است. چنان که در این جدول آمده است، بین بهزیستی ذهنی و باور به دنیای معنادار ($r=0/65$ ، $P<0/01$)، خود مطلوب ($r=0/52$ ، $P<0/01$)، ادراک حمایت از خودمختاری ($r=0/49$ ، $P<0/01$) و ادراک گرمی والدین ($r=0/50$ ، $P<0/01$) رابطه‌ی مثبت وجود دارد. تمامی ضرایب همبستگی محاسبه شده در حد بالایی است و این نشان دهنده رابطه‌ی قوی بین متغیرها است. براساس یافته‌ها بالا بودن نمره افراد در مقیاس بهزیستی ذهنی با نمرات بالا در مؤلفه‌های باورهای اساسی و ادراک روابط والد-کودک همراه است.

جدول ۲. میانگین، انحراف استاندارد و همبستگی‌های متقابل متغیرهای پژوهش

متغیر	M	SD	۱	۲	۳	۴
۱- بهزیستی ذهنی	۵۱/۲۱	۱۱/۵۱				
۲- دنیای معنادار	۵۶/۳۶	۱۱/۲۲	۰/۶۵**			
۳- خود مطلوب	۳۵/۱۷	۶/۰۳	۰/۵۲**	۰/۵۶**		
۴- حمایت والدین	۸۶/۱۴	۱۷/۰۴	۰/۴۹**	۰/۴۵**	۰/۳۲**	
۵- گرمی والدین	۶۶/۲۲	۱۲/۹۷	۰/۵۰**	۰/۴۴**	۰/۳۲**	۰/۷۵**

**= $P<0/01$ ، $n=655$ حجم نمونه

علاوه بر رابطه متقابل، سهم هر یک از متغیرهای پژوهش در پیش‌بینی متغیر ملاک (بهزیستی ذهنی) مورد بررسی قرار گرفت. بدین منظور تحلیل رگرسیون چندمتغیری گام به گام اجرا شد. جدول ۳ نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون را به‌طور خلاصه نمایش می‌دهد.

1-stepwise

رابطه‌ی باورهای اساسی و ادراک از روابط والدینی با بهزیستی ذهنی دانش‌آموزان

جدول ۳. خلاصه رگرسیون چندمتغیری گام به گام برای پیش‌بینی بهزیستی بر پایه باورهای اساسی و ادراک روابط والد-کودک

مدل	متغیرهای پیش‌بین	R	R ²	R ² تعدیل شده	خطای استاندارد برآورد	F	P
۱	دنیای معنادار	۰/۶۵	۰/۴۲	۰/۴۲	۸/۷۶	۴۷۷/۷۷	۰/۰۱
۲	دنیای معنادار و گرمی والدین	۰/۶۹	۰/۴۸	۰/۴۷	۸/۳۴	۲۹۶/۷۴	۰/۰۱
۳	دنیای معنادار، گرمی والدین و خود مطلوب	۰/۷۱	۰/۵۰	۰/۵۰	۸/۱۴	۲۱۹/۳۷	۰/۰۱
۴	دنیای معنادار، گرمی والدین، خود مطلوب و حمایت والدین	۰/۷۳	۰/۵۱	۰/۵۱	۸/۰۹	۱۶۸/۶۶	۰/۰۱

همان‌گونه که در جدول ۳ مشاهده می‌شود، تمامی متغیرهای پیش‌بین توانستند در پیش‌بینی بهزیستی ذهنی نقش معناداری داشته باشد. بیشترین سهم مربوط به باور به دنیای معنادار است که به تنهایی ($R^2 = 0/42$) ۴۲ درصد از واریانس بهزیستی ذهنی را تبیین می‌کند. دومین متغیر وارد شده به معادله رگرسیون ادراک از گرمی والدین است که با ورود آن ۸ درصد به واریانس تبیین شده اضافه شده است و مدل دوم توانسته است ۴۸ درصد از واریانس بهزیستی ذهنی را پیش‌بینی کند. با ورود باور به خود مطلوب به عنوان متغیر سوم به مدل، میزان واریانس تبیین شده در مجموع به ۵۰ درصد رسیده است. در مدل چهارم که با ورود ادراک حمایت والدین از خود مختاری شکل می‌گیرد، واریانس تبیین شده ۱ درصد افزایش می‌یابد. این مقدار اگرچه اندک است، اما به عنوان سهم مستقل متغیر پیش‌بین در تبیین واریانس متغیر ملاک به لحاظ آماری افزایش معناداری محسوب شده است. مقادیر F برای هر چهار مدل به لحاظ آماری معنادار است ($P < 0/001$).

در جدول ۴ ضرایب استاندارد شده، استاندارد نشده و مقادیر t مربوط به متغیرهای پیش‌بین در مدل‌های رگرسیون نمایش داده شده است. چنانکه مشاهده می‌شود، ضریب بتا برای باور به دنیای معنادار در مدل اول ۰/۶۵ است. در مدل پایانی با چهار متغیر پیش‌بین، مقادیر بتا برای دنیای معنادار ($\beta = 0/42$)، گرمی والدین ($\beta = 0/16$)، باور به خود مطلوب ($\beta = 0/19$) و حمایت والدین از خود مختاری ($\beta = 0/12$) مقادیر قابل توجهی هستند. ضریب بتا نشان دهنده شدت تغییر متغیر ملاک با تغییر هر کدام از پیش‌بین‌ها است. همچنین می‌توان دید که مقادیر t به استثنای حمایت والدین ($P < 0/01$) برای همه متغیرهای پیش‌بین در سطح $P < 0/001$ معنادار است.

جدول ۴. ضرایب رگرسیون و مقادیر t برای متغیرهای پیش‌بین.

ردیف	مدل	ضرایب استاندارد نشده		t	P
		B	خطای استاندارد		
۱	دنیای معنادار	۰/۶۷	۰/۰۳	۲۱/۸۶	۰/۰۱
		۰/۶۵	۰/۰۳		
۲	دنیای معنادار	۰/۵۵	۰/۰۳	۱۶/۹۶	۰/۰۱
		۰/۵۴	۰/۰۳		
۳	گرمی والدین	۰/۲۳	۰/۰۳	۸/۲۰	۰/۰۱
		۰/۲۶	۰/۰۳		
۴	گرمی والدین	۰/۲۱	۰/۰۳	۷/۷۸	۰/۰۱
		۰/۲۴	۰/۰۳		
۵	خود مطلوب	۰/۳۷	۰/۰۶	۵/۸۶	۰/۰۱
		۰/۲۰	۰/۰۶		
۶	دنیای معنادار	۰/۴۳	۰/۰۴	۱۱/۷۳	۰/۰۱
		۰/۴۲	۰/۰۴		
۷	گرمی والدین	۰/۱۴	۰/۰۴	۳/۷۴	۰/۰۱
		۰/۱۶	۰/۰۴		
۸	خود مطلوب	۰/۳۷	۰/۰۶	۵/۷۷	۰/۰۱
		۰/۱۹	۰/۰۶		
۹	حمایت والدین	۰/۰۸	۰/۰۳	۵۲/۹۵	۰/۰۱
		۰/۱۲	۰/۰۳		

بحث و نتیجه‌گیری

رویکرد شناختی-اجتماعی بر اثر متقابل عوامل فردی، محیطی و رفتاری تأکید دارد. از این دیدگاه، تبیین یک رفتار و یا هر عامل فردی دیگر، بدون در نظر گرفتن دیگر جنبه‌های تأثیرگذار، نمی‌تواند چندان کارا باشد. در نظریه‌ی خودشناختی-تجربه‌ای به‌عنوان یکی از نظریه‌های رویکرد شناختی-اجتماعی، عواملی مانند ساختارشناختی و در رأس آن باورهای اساسی از جمله عوامل مهم در تبیین پرونده‌های فردی به‌شمار می‌آیند. این نظریه همچنین فرض می‌کند که در طی تحول کودک، رابطه با پدر و مادر به‌عنوان منبعی برای ارضاء نیازهای کودک و تجارب روزمره، بسیار با اهمیت هستند. این فرض منطقی زیربنایی پژوهش حاضر بوده است.

در این راستا و با اتکا به یافته‌های پژوهش، باور به دنیای معنادار و باور به خود مطلوب به‌عنوان دو باور اساسی با بهزیستی ذهنی رابطه دارد. همبستگی مثبت و قوی باور به دنیای معنادار و باور به خود مطلوب با بهزیستی ذهنی تأییدی بر فرضیه پژوهش است. بر این اساس افرادی که دنیا و رویدادهای آن را دارای نظم و ترتیب خاصی می‌دانند و باور دارند که می‌توانند رخدادهای زندگی خود را کنترل کنند، از زندگی ارزیابی بهتری دارند و به لحاظ عاطفی نیز وضعیت مطلوبتری را تجربه می‌کنند. علاوه بر این افرادی که خود را با ارزش، توانمند و محبوب می‌دانند از زندگی خود ارزیابی بهتری داشته و تجارب هیجانی مطلوب تری را گزارش می‌کنند. به‌عبارت دیگر باور به دنیای معنادار می‌تواند اشاره به هدفمندی زندگی نیز داشته باشد و اینکه فرد عاملانه می‌تواند در این هدفمندی مؤثر واقع شود. این عاملیت با توان کنترل فرد بر شرایط زندگی نیز مرتبط است. از طرف دیگر عاملیت و هدفمندی فرد را به این باور هدایت می‌کند که انسانی توانا و کارآمد است. یافته مرتبط با باور به معناداری دنیا و خود مطلوب (جدول ۳) موید این ارتباط است.

اگر چه رابطه‌ی باورهای اساسی و بهزیستی ذهنی در پژوهش‌های قبلی مورد بررسی قرار نگرفته است. با این وجود می‌توان متغیرهایی را یافت که تا حد زیادی با باورهای اساسی همپوشی دارند؛ متغیرهایی از قبیل حرمت خود و مفهوم خود با باور به خود مطلوب شباهت زیادی دارند و

معنا در زندگی به باور به دنیای معنادار نزدیک است. باور به خود مطلوب شامل برداشت‌هایی از خود به‌عنوان فردی مفید، توانمند و با ارزش است. در پژوهش‌های پیشین نشان داده شده است که حرمت خود (دینر و دینر، ۱۹۹۵؛ بتنکورت و دور، ۱۹۹۷؛ استگر و فرزیر، ۲۰۰۵)، حرمت خود آشکار و ضمنی (شیماک و دینر، ۲۰۰۳) و مفهوم-خود (مک کالوف، هواینر و لفلین، ۲۰۰۰) و همچنین معنا در زندگی و هدفمندی (آدلر و فگلی، ۲۰۰۵؛ هیکس و کینگ، ۲۰۰۷؛ زیکا و چمبرلین، ۱۹۹۲). با بهزیستی ذهنی رابطه دارند. یافته‌های پژوهش حاضر با یافته‌های به‌دست آمده در پژوهش‌های پیشین همسو است.

یافته‌ها نشان داده است که ادراک حمایت از خود مختاری و گرمی والدین با بهزیستی ذهنی رابطه‌ی مثبت دارد. سطوح بالاتر ادراک حمایت از خود مختاری با سطوح بالاتر رضایت از زندگی و عاطفه مثبت و سطوح پایین عاطفه منفی همراه است. الگوی مشابهی در رابطه‌ی ادراک از گرمی والدین با مؤلفه‌های بهزیستی ذهنی مشاهده شد. پیش از این نیز شواهد از وجود رابطه بین متغیرهای روابط با والدین و بهزیستی ذهنی حمایت کرده است (بن زور، ۲۰۰۳؛ رابرتسون و سایمونز، ۱۹۸۹). این یافته‌ها همچنین با نظریه‌های خود تعیین‌گری (دسی و ریان، ۱۹۸۵) و نظریه‌ی خود شناختی-تجربه‌ای (اپستاین، ۱۹۷۳) همخوان است. روابط گرم و پذیرا از سوی والدین در بهزیستی کودکان از اهمیت بالایی برخوردار است. این روابط به ویژه در سن نوجوانی اهمیت خاصی می‌یابد؛ سنی که در آن هرگونه طرد از سوی والدین، با توجه به نیاز بالقوه‌ی نوجوان به ابراز استقلال می‌تواند مشکلات بعدی را تشدید کند.

براساس یافته‌ها، باور به دنیای معنادار بیش از دیگر عامل‌های مورد بررسی می‌تواند تبیین‌کننده میزان رضایت از زندگی و تعادل عواطف منفی و مثبت باشد. از دیدگاه اپستاین (۲۰۰۳) داشتن هدف و برنامه در زندگی مشروط به این است که فرد دنیا را معنادار بداند. افرادی که دنیا را معنادار نمی‌دانند، نمی‌توانند نظم خاصی برای رخدادهای آن بیابند، از نظر آنها کنترل هیچ رویدادی در دست آنان نیست و نمی‌توانند بر زندگی خود تأثیری داشته باشند. از طرفی معنادار

به زندگی و داشتن هدف، بسیاری از مشکلات و رخداد‌های ناگوار را تحمل پذیر می‌کند. روابط گرم با والدین، مطلوب دانستن خود و استقلال نیز هر یک در میزان بهزیستی ذهنی از اهمیت قابل توجهی برخوردار هستند (ریان و دسی، ۲۰۰۰).

به‌طور کلی شواهد پژوهش حاضر گویای این است که باورهای اساسی به‌عنوان نظریه‌های ضمنی فرد درباره‌ی دنیا، خود و دیگران نقش مهمی در بهزیستی ذهنی دارند. یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که در تبیین بهزیستی ذهنی بافت اجتماعی به‌طور کلی و خانواده به‌طور خاص در کنار عوامل درون‌فردی از اهمیت بالایی برخوردار هستند. با توجه به نقش بعد گرمی و حمایت والدین از خودمختاری در بهزیستی ذهنی، باید در برنامه‌های آموزش خانواده بر این دو بعد رفتاری تأکید ویژه شود. در پژوهش حاضر رابطه‌ی متغیر جنس با سایر متغیرها مورد بررسی قرار نگرفته است که پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های بعدی به آن پرداخته شود. علاوه بر این در این پژوهش، بهزیستی ذهنی به‌طور کلی بررسی شده است و بررسی ابعاد آن در پژوهش‌های دیگر می‌تواند مورد توجه قرار گیرد.

منابع

- اصغری، مهسا سادات (۱۳۸۸). *رابطه فرزند پروری ادراک شده با هوش هیجانی و خودشناسی انسجامی*. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- باباخانی، نرگس (۱۳۹۰). *الگوی تبیین یادگیری خودتنظیم بر اساس ادراک از محیط کلاس درس، خانواده و احساس تعلق به مدرسه در دانش‌آموزان دبیرستانی شهر تهران*. رساله‌ی دکتری (چاپ نشده)، دانشگاه آزاد رودهن.
- تنهای رشوانلو، فرهاد و حجازی، الهه (۱۳۹۱). نقش درگیری، حمایت از خودمختاری و گرمی مادر و پدر در انگیزش خودمختار و عملکرد تحصیلی فرزندان. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۸(۱)، ۶۷-۸۲.
- خرازی، علیتی و کارشکی، حسین. (۱۳۸۸). بررسی رابطه مؤلفه‌های ادراک والدین با راهبردهای یادگیری خود تنظیمی. *تازه‌های علوم شناختی*، ۱۱(۱)، ۴۹-۵۵.

- ربانی‌زاده، منصوره (۱۳۸۹). ادراک از فرزند پروری، هویت و جهت‌گیری آینده در دانش‌آموزان دبیرستان‌های منطقه ۶ تهران. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- زارع، حسین؛ احمدی‌ازغندی، علی؛ نوفرستی، اعظم و حسینیانی، علی (۱۳۹۱). اثر آموزش فراشناختی حل مسأله بر ناتوانی یادگیری ریاضی. *ناتوانی‌های یادگیری*، ۲(۲)، ۴۰-۵۸.
- شکری، امید، کدیور، پروین و دانشور پور، زهرا. (۱۳۸۶). تفاوت‌های جنسیتی در بهزیستی ذهنی: نقش ویژگی‌های شخصیت. *مجله روانپزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، ۱۳، ۲۸-۲۰.
- کاندا، زیوا (۱۹۹۹). *شناخت اجتماعی*. ترجمه حسین کاویانی (۱۳۸۴). تهران: انتشارات مهر کاویان.
- Adler, M. G. & Fagley, N. S. (2005). Appreciation: Individual Differences in Finding Value and Meaning as a Unique Predictor of Subjective Well-Being. *Journal of Personality*, 73(1), 79-114.
- Andrews, F. M. & Robinson, J. P. (1991). Measures of subjective well-being. In J. P. Robinson, P. R. Shaver, & L. S. Wrightsman (Eds.), *Measures of personality and social psychological attitudes*, 1, 61-114. San Diego, CA: Academic Press.
- Ben-Zur, H. (2003). Happy Adolescents: The Link Between Subjective Well-Being, Internal Resources, and Parental Factors. *Journal of Youth and Adolescence*, 32(2), 67-79.
- Bettencourt, B. A. & Dorr, N. (1997). Collective self-esteem as a mediator of the relationship between allocentrism and subjective well-being. *Personality & Social Psychology Bulletin*, 23(9), 955-964.
- Bowlby, J. (1969). *Attachment and loss*: Vol. 1 Attachment. New York: Basic Books.
- Bradshaw, J., Keung, A., Rees, G. & Goswami, H. (2011). Children's subjective well-being: International comparative perspectives. *Children and Youth Services Review*, 33, 548-556.
- Cantril, H. (1965). *The pattern of human concerns*. New Brunswick, NJ: Rutgers University Press.
- Catlin, G. & Epstein, S. (1992). Unforgettable experiences: the relation of life events to basic beliefs about self and world. *Social Cognition*, 10(2), 189-209.
- Deci, E. L., & Ryan, R. M. (1985). *Intrinsic motivation and self-determination in human behavior*. New York: Plenum Press.
- Diener, E. (1984). Subjective well-being. *Psychological Bulletin*, 95, 542-575.
- Diener, E., Lucas, R. E., & Oishi, S. (2002). Subjective well-being. *Journal of Clinical Psychology*, 24(1), 25-41.
- Diener, E., & Lucas, R. E. (1999). Personality and subjective well-being. In D. Kahneman, E. Diener, & N. Schwarz (Eds.), *Well-being: The foundations of hedonic psychology* (pp. 213-229). New York: Russell Sage Foundation.
- Diener, E., Suh, E. M., Lucas, R. E., & Smith, H. L. (1999). Subjective well-being: Three decades of progress. *Psychological Bulletin*, 125(2), 276-302.

- Diener, E., & Diener, M. (1995). Cross-cultural correlates of life satisfaction and self-esteem. *Journal of Personality and Social Psychology*, 68, 653–663.
- Dinisman, T., Motserat, C., & Casas, F. (2012). The subjective well-being of Spanish adolescents: Variations according to different living arrangements. *Children and Youth Services Review*, 34(12), 2374–2380.
- Dolan, P., & White, M. P. (2007). How can measures of subjective well-being be used to inform public policy? *Perspectives in Psychological Science*, 2(1), 71–85.
- Epstein, S. (1973). The self-concept revisited, or a theory of a theory. *American Psychologist*, 28(5), 404–416.
- Epstein, S. (2003). Cognitive-experiential self-theory of personality. In T. Millon & M. J. Lerner (Eds.), *Comprehensive handbook of psychology*, Vol. 5, pp. 159–184, Personality and Social Psychology. Hoboken, NJ: Wiley.
- Grolnick, W. S., Deci, E. L., & Ryan, R. M. (1997). Internalization within the family: The self-determination theory perspective. In J. E. Grusec & L. Kuczynski (Eds.), *Parenting and children's internalization of values: A handbook of contemporary theory* (pp. 135–161). New York: Wiley.
- Hicks, J. A. & King L. A. (2007). Meaning in life and seeing the big picture: Positive affect and global focus. *Cognition and Emotion*, 21(7), 1577–1584.
- Janoff-Bulman, R. (1985). The aftermath of victimization: Rebuilding shattered assumptions. In C. Figley (Ed.), *Trauma and its wake*, (Vol. 1). New York: Bruner/Mazel.
- Janoff-Bulman, R. (1990). Understanding people in terms of their assumptive worlds. In D. J. Ozer, J. M. Healy, & A. J. Stewart, (Eds.), *Perspectives in personality: Self and emotion*. Greenwich, CT: JAI.
- Mccullough, e., Huebner, S. & Laughlin, J. E. (2000). Life Events, Self-concept, and Adolescents' Positive Subjective Well-being. *Psychology in the Schools*, 37(3), 281–290.
- Mroczek, D. K., & Kolarz, C. M. (1998). The effect of age on positive and negative affect: A developmental perspective on happiness. *Journal of Personality and Social Psychology*, 75(5), 1333–1349.
- Pacini, R., & Epstein, S. (1999). The relation of rational and experiential information processing styles to personality, basic beliefs, and the ratio-bias phenomenon. *Journal of Personality and Social Psychology*, 76(6), 972–987.
- Reker, G. T., Peacock, E. J., & Wong, P. T. P. (1986). Meaning and Purpose in Life and Well-being: a Life-span Perspective. *Journal of Gerontology*, 42(1), 44–49.
- Robertson, J. F. & Simons, R. L. (1989). Family Factors, Self-Esteem, and Adolescent Depression. *Journal of Marriage and Family*, 51(1), 125–138.
- Ryan, R. M., & Deci, E. L. (2000). Self-determination theory and the facilitation of intrinsic motivation, social development, and well-being. *American Psychologist*, 55, 68–78.
- Sandler, J. & Rosenblatt, B. (1962). The concept of the representational world. *The Psychoanalytic Study of the Child*, 17, 128–145.

- Schimmack, U. & Diener, E. (2003). Predictive validity of explicit and implicit self-esteem for subjective well-being. *Journal of Research in Personality*, 37(2), 100-106.
- Steger, M. F. & Frazier, P. (2005). Meaning in Life: One Link in the Chain From Religiousness to Well-Being. *Journal of Counseling Psychology*, 52(4), 574-582.
- Zika, S. & Chamberlain, K. (1992). On the relation between meaning in life and psychological well-being. *British Journal of Psychology*, 83(1), 133-145.

Archive of SID